



حجت الاسلام والمسلمین نوراللهیان، آیت... عطاردی، دکتر مهدوی راد و حجت الاسلام والمسلمین معراجی

گفتاری از دکتر محمدعلی مهدوی راد درباره باریک بینی های علمی مرحوم عطاردی

قله همت و کوه استقامت



دکتر محمدعلی مهدوی راد
عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

در دوره طلبگی بنده در مشهد، عارف و عالمی جلیل القدر و بزرگ به نام آیت... حاج شیخ ذبیح... قوچانی مقیم بود که ایشان در سالروز مولد ائمه (ع) جشن مفصلی در منزلشان برپا می کرد و جشن عید غدیر را هم مفصل تر برگزار می کرد و علاقه مندان و دوستداران ایشان به دیدارش می رفتند.

روز عید غدیر ایشان به طالبی که به منزلشان می رفتند، هدیه می داد و از آنجایی که پسران ایشان در کار چاپ کتاب بودند، این هدیه کتاب بود. اولین سالی هم که من به دیدارشان رفتم، سه کتاب جیبی هدیه دادند که یکی از آن ها کتابی به نام «زمین و تربت حسینی» نوشته مرحوم آیت... حاج سید محمد حسین کاشف الغطاء بود که آقای عطاردی آن را ترجمه کرده بود.

این اولین باری بود که اسم ایشان را می دیدم و پس از خواندن این کتاب علاقه آغازین من به استاد رقم خورد. من عشق عجیبی نسبت به کتاب داشتم و این حس از سال دوم طلبگی هر روز در من تقویت شد.

روزی در ورودی مدرسه دودر که دو سکو قرار داشت، دیدم آقای حاج شیخ نعمت... با مردی نشسته است و به گرمی بسیار با یکدیگر صحبت می کنند. وقتی که ایشان رفت، از حاج شیخ نعمت... پرسیدم حاج آقا، ایشان چه کسی بود؟ در پاسخ گفت که ایشان آقای حاج شیخ عزیزا... عطاردی است و مردی بسیار عالم و فاضل از اهل قوچان است و اگر شماروزی توانستید خدمت ایشان برسید، از ایشان استفاده کنید که این بار دوم آشنایی من با ایشان بود.

در دورانی که بنده مقیم مشهد بودم، اتفاقی نیفتاد که با ایشان بیشتر آشنا شوم، ولی آثار ایشان را در میان آثاری که چاپ می شد، می دیدم؛ مثل «مسند الامام الرضا علیه السلام» که در آن دوره به عنوان بخش اول کتاب «فرهنگ خراسان» چاپ شده بود تا انقلاب پیروز شد و آشنایی من بعد از انقلاب با آثار ایشان بیشتر شد و ایشان نیز که بنده را شناخت و متوجه شد که هم منطقه ای ایشان هستم، لطف بیشتری به من کرد.

اگر کسی تعبیر کند که آقای عطاردی قله همت و کوه استقامت است، مجامله نکرده است. جالب است که بدانید ایشان با یک اشاره حرکت کرده و کتابی مانند کتاب «تاریخ خراسان» را که در واقع دنیایی تألیف و تحقیق است، آفریده است. من در جایی ندیدم این خاطر را مکتوب گفته باشد، ولی به من گفته است که یک روز من به خانه مرحوم جلال الدین همایی که از اعجوبه های تاریخ است، رفتم. این بزرگوار هم کتابی به نام «تاریخ اصفهان» دارد. مرحوم همایی در زیر زمین خانه نشسته بود، در حالی که کلاهی بر سر داشته و پیراهنی با آستین های گشاد که قدری آن ها را بالا زده و مشغول نوشتن بود و بعد از اینکه مدتی با من حرف زد و فهمید که من هم اهل تحقیق هستم، اشاره کرد و گفت آقای عطاردی این کارتن ها را ببین، این ها همه فیش هایی است که من برای نوشتن «تاریخ اصفهان» جمع کرده ام. شما هم یک تاریخ خراسان بنویس، شما هنوز جوان هستید و می توانید کارهای بزرگی کنید.

این اشاره ای از جانب آقای همایی بود که حدود پنجاه سال ایشان را در جهت تحقیقات هدایت کرد. آقای عطاردی برای نوشتن تاریخ خراسان بزرگ، و جب به و جب سفر

کرده است. به عنوان مثال ایشان سه مرتبه به روستای ما آمده است. دره ها، کوه ها، امامزاده ها و فرهنگ ها را دیده است و با هر وسیله نقلیه ای از جمله ماشین و اسب و قاطر و حتی با پای پیاده سفر کرده و تاریخ خراسان را ضبط کرده است. اگر تاریخ خراسان ایشان به طور کامل چاپ شود، بیش از ۵۰ درصد اطلاعات را مستقیم دیده و کپی برداری از کتاب ها نبوده است.

مرحوم عطاردی برای نوشتن تاریخ خراسان سبک عجیبی را به کار گرفت. او در کتابخانه ها ننشست که بر اساس منابع مکتوب تاریخی، تاریخ خراسان را بنویسد که البته آن ها را مدنظر داشت، اما او در این چهل پنجاه سال به همه خراسان بزرگ چه آن قسمتی که الان در افغانستان است و چه آن قسمتی که در کشورهای تازه استقلال یافته و چه آن قسمتی که الان در ایران است، سفر کرد. هر جا ممکن بود، با ماشین و هر جا ممکن نبود، با مرکب هایی مانند اسب و شتر و حتی پیاده می رفت و با چشم این مناطق را یکی بعد از دیگری بررسی می کرد. آنچه در متون مکتوب تاریخی بوده، این ها را مستقیم سنجیده و مواد تاریخ خراسان را شکل داده است. او برای تدوین تاریخ خراسان سفرهای عجیبی را انجام داد و حتی سال ها در راه ماند. این مرد اعجوبه ای بود که در کنار این کار استرگ «تاریخ خراسان» ده ها کار حاشیه ای انجام داد. مثلاً در همان ایامی که در هندوستان بود، درباره برخی از شروح نهج البلاغه که به گونه ای نسخه خطی بود، تحقیق کرد و آن شرح های نهج البلاغه را چاپ کرد. درباره «تاج العروس» کار بزرگ زبیدی تلاش کرد و قواعد مهم آن را استخراج کرد.

با خرافات عوامانه در ستیز بود

از آن حق و چه بخشی خرافه است، ایشان مسائل را به جایگاه تاریخی و جغرافیایی محل آن رویداد برمی گرداند تا اصل و فرع را مشخص کند. وی از جغرافیای اماکن به دقت عکس و اسلاید تهیه می کرد. این شیوه مشاهده میدانی تحقیقی که مورد تأکید قرآن کریم نیز هست، باعث زدودن خرافات از دین می شد و انگیزه علامه عطاردی از این شیوه تاریخی همین هدف مهم بود. بیشترین خاطراتی که از ایشان به یاد دارم، حیرت و تعجب ما از پرکاری شبانه روزی این عالم جلیل القدر بود.

با وجود کسالت و بیماری که داشت، بعد از گذشت چند ماه می دیدیم کتاب هایی را تألیف یا اصلاح و آماده چاپ کرده است. ایشان برای اینکه به هدفش برسد، از تحمل هیچ گونه سختی روی گردان نبود؛ گویا ایشان در این زمین زندگی نمی کرد و امور مادی و سختی ها برای ایشان هیچ مشکل و مانعی ایجاد نمی کرد. این استقامت ایشان برای ما الگویی بود.

ارزش و اهمیت این مطالعه میدانی علامه عطاردی به این زودی ها شناخته نمی شود و روزی می رسد که سازمان های جهانی برای این عالم مراسم یادبود می گیرند و همه دنیا برای او ارزش زیادی قائل خواهند شد.

دقیق بررسی کرد.

علامه عطاردی همه عمرش را بر این مسئله گذاشت تا در مسائل تاریخی، موقعیت جغرافیایی حوادث را ببیند. حتی وقتی ایشان از «شاهنامه» می گوید، از نزدیک به محل پیکار لشکرها رفته بود و بیان می کرد که من به یقین می دانم که وقتی فردوسی این صحنه جنگ را توصیف می کند، قطعاً باید بالای فلان کوه مستقر می بوده است. اینکه جغرافیای حوادث را ببینیم و درک کنیم، چیزی بود که ایشان برای آن سفرهای فراوان رفته و رنج های بسیاری کشیده بود تا بتواند حوادث را در جایگاه خودش تجزیه و تحلیل کند. به نظر من اگر این روش علمی که با رنج به دست می آید و جایگاه جغرافیایی مسائل و حوادث اجتماعی فرهنگی و تاریخی را جلو چشم بیاوریم، به نکات جدیدی دست می یابیم.

این شیوه مسائل ابتکاری زیادی را به همراه دارد و سبب می شود که تجربه های پراکنده را سامان دهد و فرهنگ را غنی کند. مرحوم عطاردی بسیاری از موضوعات دینی را آمیخته با خرافات عوامانه می دید که در بستر زمان به آموزه های دینی نشسته است.

این مسائل خرافی و نادرست گاهی به جای مسائل اصلی مانده است و برای مشخص کردن اینکه چه بخشی

آغاز شناخت من از آیت... عطاردی به سال های اول انقلاب برمی گردد. به خاطر شهرت ایشان در قم و مشهد در آن زمان دورا دور از این بزرگوار شناخت حاصل کرده بودم و بعد از سال ۱۳۷۰ خورشیدی ارتباط من با ایشان بیشتر شد و از آنجا به دلیل اینکه به قم رفت و آمد داشت و برای مرکز فرهنگی خراسان که من جزو هیئت امنای آنجا بودم، انیس بیشتری ایجاد شد.



حجت الاسلام و المسلمین محمد عبداللهیان
مدیر مؤسسه معارف
اسلامی امام رضا (ع)

علامه عطاردی ضمن اینکه همه ویژگی های یک عالم برجسته شیعه را مانند درک استادان تراز اول حوزه علمیه دارا بود، یک ویژگی برجسته داشت که سبب تمایز ایشان می شد؛ آیت... عطاردی شیوه تحقیقی خاصی داشت که کمتر کسی از آن بهره مند است و آن را در تحقیقات خود به کار می برد.

مشاهده علمی و حرکت در میدان مسائل تاریخی بارزترین جنبه تحقیقاتی این استاد بود. معمولاً در مسائل تاریخی به منابع و کتاب ها و تحلیل نوشته های آن استناد می شود. مثلاً وقتی در تاریخ اسلام جنگ احد را بررسی می کنیم، باید جغرافیای وقوع آن حوادث را نیز به طور